

یادداشت

مرضیه قیادی

پژوهشگر

مفهوم زن در رأی دیوان عالی بریتانیا

بازگشت به واقعیت زیستی در برابر تقسیرهای سیال از جنسیت

در دنیای پراشوب امروز که مفاهیم بنیادین اجتماعی یکی پس از دیگری دچار تردید و بازنگرۄ می‌شوند، رای اخیر دیوان عالی بریتانیا نقطه عطفی بود که شاید بسیاری از ناظران در جهان غرب انتظارش را نداشتند. در کشوری که طی دهه‌های اخیر به یکی از پیشتازان آزادی‌های فردی و تفسیرهای موسع از هویت جنسی شهره شده، عالی‌ترین مرجع قضایی آن به صراحت اعلام کرد: زن یعنی فردی که با جنس مؤنث به دنیا آمده است.

بازتعریف قانون، بازگشت به طبیعت موضوع از یک دعوی ساده حقوقی آغاز شد. گروهی از فعالان حقوق زنان در اسکاتلند نسبت به تسهیل روند قانونی تغییر جنسیت و حذف نظارت‌های پزشکی بر این فرآیند اعتراض کردند. آنان هشدار دادند که گسترش تعریف «زن» به شکلی بی‌ضابطه، حقوق واقعی زنان را تهدید می‌کند. نتیجه، طرح دعوی در دیوان عالی و صدور رأی بود که مفاهیم قانونی را از قلمرو ابهام خارج کرد و آنها را به زیربنای بیولوژیکی‌شان بازگرداند. در رای صادره آمده است که مطابق قانون برابری ۲۰۱۰، واژه‌های «زن» و «جنس» ناظر به جنسیت هنگام تولد است، نه احساس درونی یا گواهی صادرشده در مراحل بعدی زندگی. این تفسیر حقوقی، ظاهر ساده اما بسیار مهم است. چرا که مانع از آن می‌شود که هر کس، تنها با اظهار احساسات شخصی، از فضاهای خاص زنان (همچون پناهگاه‌های خشونت خانگی، بخش‌های ویژه بیمارستانی یا حتی زندان‌های زنانه) بهره‌مند شود و حقوق زنان از نقطه نظر بیولوژیک را تهدید کند.

چرا این رأی مهم است؟

جهان غرب در سال‌های اخیر شاهد رشد فزاینده و افسارگسیخته دیدگاه‌هایی بوده که جنسیت را مفهومی صرفاً ذهنی، انتخابی و متغیر می‌دانند. در این فضا، افراد می‌توانند خود را «زن» بدانند، ولو با هیچ‌یک از ویژگی‌های زیستی زنان تطابق نداشته باشند. این نگرش، به‌رغم ظاهر دموکراتیکش، در عمل موجب فشار و حذف تدریجی فضاهای امن زنان شده است. آیا زنان حق ندارند در پارهای از حوزه‌ها، در کنار هم چنانسان بیولوژیک خود باشند؟ آیا دفاع از حقوق زنان باید در تقابل با ادعاهای روزافزون هویتی نادیده گرفته شود؟

رای دیوان عالی بریتانیا به این دغدغه پاسخی شفاف داد. نه از سر تبعیض، بلکه به دلیل آن‌که قانون، رایی کارآمدی، به تعاریف دقیق و عینی نیاز دارد. مفهوم «زن» اگر بر پایه احساسات و تمایلات تعریف شود، حقوق زنان واقعی ـ آنان که بار بارداری، خشونت خانگی، نابرابری دستمزد و تبعیض جنسیتی را واقعاً تجربه می‌کنند ـ در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود.

نگاه از ایران:

مرزهای هویت، چهارچوب قانون در ایران نیز طی سال‌های اخیر مباحثی درباره ترنس و تراجنسیتی مطرح شده است. کشور ما به‌رغم برخورداری از احکام خاص فقهی درباره امکان تطبیق جنسیت، هرگز از تعریف زیستی «زن» عدول نکرده است. در استناد رسمی، زن بودن مفهومی زیستی، قابل تشخیص و تابع احکام حقوقی خاص است.

با توجه به این سابقه، رأی دادگاه بریتانیا نه تنها عجیب یا غیرمنتظره نیست، بلکه تأییدی است بر همان واقع‌گرایی حقوقی که نظام حقوقی ایران نیز بر آن استوار است. در جامعه‌ای که هنوز با مشکلات واقعی زنان در حوزه‌های اشتغال، امنیت، سلامت و خانواده روبه‌روست، نباید اجازه داد مفاهیمی چون «زن» به عرصه‌های سیال و مبهم کشیده شوند.

حقوق اقلیت یا ابهام در اکثریت؟

هرچند برخی نهادهای حقوق بشری، از جمله عفو بین‌الملل، نسبت به آثار احتمالی این رأی ابراز نگرانی کرده‌اند. اما پرسش اصلی این است: آیا می‌توان با دستکاری در تعاریف، عدالت را محقق کرد؟ اگر عدالت یعنی رعایت حقوق همگان، نمی‌توان به بهانه حمایت از گروهی خاص و اقلیت، تعریفی بنیادین از چنان‌کس‌دار کرد که حقوق اکثریت از بین برود.

نتیجه‌گیری:

به‌سوی حقوق روشن و دقیق رأی دیوان عالی بریتانیا در اصل، دفاع از روشن‌نویسی قانونی و مرزبندی مفاهیم است. هر نظام حقوقی موفق، پیش از هر چیز به تعاریف واضح و کارآمد نیاز دارد. هنگامی که مفهوم «زن» به عبارتی چندنگامی بدل شود، دیگر نمی‌توان از عدالت، حمایت از زنان یا سیاست‌گذاری درست سخن گفت.



طبق قانون جدید، دیگر کسی به خاطر مهریه زندان نمی‌رود

پابند بندید، حبس نکشید

گزارش خبری

سمیه افشین‌فر

خبرنگار

بدهکاران مهریه دیگر به زندان نمی‌روند. سال‌هاست که مهریه، هزاران مرد را روانه زندان می‌کند و بر اساس آمارها، به دومین عامل زندانی شدن افراد در کشور تبدیل شده است. به همین دلیل موضوع مهریه همیشه بحث داغ و پرحاشیه‌ای در جامعه بوده و هر چند وقت یک‌بار خبرهایی درباره آن شنیده می‌شود. روز یکشنبه نماینده‌های مجلس تصمیم گرفتند مجازات حبس مهریه به آزادی یا پابند الکترونیک تغییر کند؛ تصمیمی که خیلی از فعالان زن با آن مخالف هستند و بعضی از آنها هم اصلاً از این موضوع خبر نداشتند تا جایی که فاطمه محمدبیگی، رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی از بی‌خبری این فراکسیون در مورد این موضوع می‌گوید و اینکه اصلاً نظرات اعضای این فراکسیون در مورد مهریه پرسیده نشده است. ولی بی‌این همه، طرح اصلاح قانون محکومیت‌های مالی و احکام مربوط به مهریه در دستور کار مجلس قرار گرفته است؛ طرحی که می‌تواند سرنوشت هزاران نفر را تغییر دهد. طرفداران معتقدند این طرح می‌تواند نقطه پایانی بر سال‌ها بحث و جدل حقوقی و اجتماعی درباره مهریه‌های سنگین و زندان‌های ناشی از آن باشد و مخالفان و فعالان حقوق زنان از محدود شدن حقوق زنان و تضاد این طرح با قانون حمایت از خانواده سخن می‌گویند.

حذف حبس، تبعیضی نامناسب

در دوران مجلس یازدهم و در روزهایی که قیمت سکه هر روز اوج می‌گرفت و بالا می‌رفت، خبر تعیین سقف برای مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه در جامعه منتشر شد. در مجلس یازدهم، طرح اصلاح قانون مهریه در کمیسیون حقوقی تصویب شد و در نوبت صحن هم قرار گرفت، اما عمر مجلس یازدهم اجازه رسیدگی به این طرح را نداد، ولی نماینده‌های مجلس دوازدهم این طرح را فراموش نکردند و

حقوق زنان، شرایط گرفتن مهریه را برای زنان سخت‌تر می‌کند. مونیکا نادی، وکیل پایه یک دادگستری و فعال حقوق زنان با بیان اینکه هزارچندگاهی در مورد مهریه شاهد بحث‌های متفاوتی در جامعه هستیم، از تعیین سقف ۱۱۰ سکه برای مهریه تا عدم امکان اجرای حکم حبس، می‌گوید: «بر اساس قانون، نحوه اجرای محکومیت‌های مالی هر شخصی که محکومیت مالی داشته باشد به این صورت است که اگر اموالی از او پیدا نشود، تا تعیین تکلیف آن، امکان حبس شخص وجود دارد، اما در مورد مهریه برای اینکه این محکومیت مالی منتهی به صدور حکم حبس نشود، راه‌های زیادی وجود دارد؛ تا سقف ۱۱۰ سکه امکان اخذ حکم جلب و حبس، محدود شده است و با توجه به اینکه مردان درخواست اعسار می‌دهند و تسطیت پرداخت مهریه را مطرح می‌کنند، به‌طور معمول اجرای احکام حبس در این خصوص بسیار کم شده است.» او با اشاره به موضوع حذف حبس برای محکومان مالی

مهریه تأکید می‌کند: «این نگاه که برای کم کردن آمار محکومان مالی ناشی از مهریه، در مجلس به رسانه‌ها خبر داد و تأکید کرد: «با توجه به چکش‌کاری‌هایی که در مجلس قبل روی این طرح انجام شده، در سریع‌ترین زمان ممکن طرح مذکور به صحن می‌رود.» سرانجام این طرح روز یکشنبه در صحن مجلس مورد بحث قرار گرفت و مجازات حبس برای محکومان مالی مهریه به پابند الکترونیک تقلیل داده شد؛ موضوعی که به اعتقاد فعالان

امکانات اشتغال و زندگی اجتماعی دارند، وظایف زندگی و خانواده بیشتر بر دوش زنان است، آنها در خانواده معمولاً بنبیه‌های اقتصادی و اجتماعی ضعیفی دارند، بنابراین پایان زندگی مشترک، زن را با جایگاه نامناسبی در جامعه مواجه می‌کند. مهریه، کمک و پشتوانه مالی برای زنی است که در زندگی با فرصت‌های برابر مواجه نبوده است.» نادی با بیان اینکه جدایی و طلاق مشکلات و پیچیدگی‌هایی برای زنان دارد، به حق طلاق اشاره می‌کند: «در قانون، حق طلاق با مرد است و زنی که می‌خواهد طلاق بگیرد باید بتواند عسر و حرجش را بکشد؛ یعنی ثابت کند به خاطر چه مشکلاتی قصد جدایی دارد.

معمولاً مهریه به عنوان ابزاری برای کمک به عین موضوع استفاده می‌شود. در حال حاضر این امکان که زن‌ها بتوانند به راحتی مهریه‌شان را دریافت کنند اصلاً وجود ندارد.» این وکیل دادگستری با بیان اینکه مهریه داستان طولانی داشته است، می‌گوید: «اجرای مهریه، مدتی فقط از طریق اجرای ثبت امکان‌پذیر بود که روند زمانبری داشت و به مردان فرصت می‌داد با انتقال اموال‌شان به اشخاص دیگر، مهریه را پرداخت نکنند. بسیاری از دادخواست‌های اعساری که مردان می‌دهند، تسطیت می‌شود و زن زمانی به مهریه می‌رسد که ارزش چندانی ندارد و هیچ کمکی به او نمی‌کند. در عمل وضعیت اجرایی دریافت مهریه خیلی نامناسب است.» بر اساس ماده ۳ قانون، نحوه اجرای محکومان مالی به محض اینکه اعسار یا ناتوانی یک فرد در پرداخت یکجای مهریه ثابت شود، مبلغ مهریه قسط‌بندی می‌شود و فرد امکان آزاد شدن از زندان را دارد. اما اگر قرار است شرایط را تغییر دهیم، به اعتقاد نادی زمانی می‌تواند مفید باشد که حقوق زنان را تقویت کنیم؛ یعنی به زنان این امکان را بدهیم که در صورت تمایل به جدایی، بتوانند از حق خود برای درخواست طلاق بهره‌مند شوند. از طرف دیگر با ایجاد فرصت‌های برابر، زنان بتوانند استقلال مالی داشته باشند تا اگر زن از خانواده جدا می‌شود، بتوانند از حق خود برای درخواست طلاق بهره‌مند شوند. این فعال حقوق زنان می‌گوید: «اگر شرایط زن و مرد در زندگی مشترک و هنگام جدایی برابر باشد، اصلاً فلسفه وجودی مهریه بی‌معنا می‌شود و می‌توانیم با راهکارهای متفاوتی از مهریه ارزش‌زدایی کنیم، اما اگر فقط بر مهریه تمرکز کنیم، تبعیض به نفع مردان است و وصول این حق برای زنان هر روز سخت‌تر می‌شود.»



زنان در خانواده

معمولاً بنبیه‌های

اقتصادی و

اجتماعی ضعیفی

دارند، بنابراین

پایان زندگی

مشترک، زن را با

جایگاه نامناسبی

در جامعه

مواجه می‌کند.

مهریه، کمک و

پشتوانه مالی

برای زنی است

که در زندگی با

فرصت‌های برابر

مواجه نبوده

است

فراکسیون زنان در جریان نبوده است

فاطمه محمدبیگی، نماینده قزوین و رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در مورد بحث اصلاح موادی از قانون اجرای محکومیت مالی با بیان اینکه در حال حاضر محکومان زیادی به دلیل مهریه در زندان هستند، می‌گوید: «همین موضوع باعث آسیب به استحکام خانواده شده است و متأسفانه شاهد افزایش میزان نرخ طلاق در جامعه هستیم. بنابراین ما موافق تغییر قوانین محکومیت‌های مالی و همچنین قوانین مهریه هستیم.» رئیس فراکسیون زنان با اشاره به اینکه دعاوی خانواده و بحث کاهش زندانیان محکومیت مالی نباید باعث شود حقوق زن به عنوان مادر یا همسر آسیب ببیند، می‌گوید: «آنگاه که فراکسیون زنان و خانواده در جلسات تأکید می‌کند، رعایت حقوق متقابل اعضای خانواده نسبت به یکدیگر

و رعایت حقوق همسری و حق نفقه و مهریه زن در این زمینه است. به هر حال در اسلام قوانین مترقی بسیاری وجود دارد که در نظام اقتصادی و استحکام خانواده نقش دارند. در نشست نمایندگان زن جهان در مکزیک، به برخی از این موضوعات اشاره کردیم و مورد استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفت. در حقیقت قوانین اسلام باعث شده میزان جذب افراد خارجی و غیرمسلمان به دین اسلام در کشورهای اروپایی هم افزایش داشته باشد. یکی از دلایل مسلمان شدن خانم‌ها، همین قوانین مهریه و نفقه در کشور ماست که اگر به درستی اجرا شود، حقوق زنان در حوزه مهریه و نفقه استیفا خواهد شد.» محمدبیگی با اشاره به اینکه امروز

شددیدی به او می‌شود. عملاً زن هم به حقوقش نمی‌رسد. از طرفی اگر حمایت مالی از زن نباشد، زن‌ها هم آسیب می‌بینند، به‌نظر ما باید پیشنهادهائی را مصوب کنیم که نظام‌سازی قرائی را رعایت کند؛ هم حق و حقوق اقتصادی زن زیر سؤال نرود، هم قانونگذار سختگیری بیش از اندازه نداشته باشد. متأسفانه سختگیری سبب می‌شود عملاً پرداخت دیون هم به خوبی انجام نشود.» رئیس فراکسیون زنان با بیان اینکه این طرح در کمیسیون حقوقی قضایی مجلس مطرح و مورد بررسی قرار گرفته و اصلاً نظرات فراکسیون زنان در آن مطرح نشده است، می‌گوید: «اینکه حبس کم شود و محکومان مالی هم به سرعت بتوانند ادای دین کنند بد نیست، اما نکته‌ای که وجود دارد، اشکالات و مواردی است که مطرح کردیم و خواستیم این طرح به کمیسیون برگردد و اصلاح شود. تقاضای ما این است که این قانون در جلسه رسمی فراکسیون با حضور کارشناسان مسلط مورد بررسی اعضا قرار گیرد و سپس به کمیسیون حقوق قضایی داده شود. متأسفانه تغییر سقف مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه باعث شده در این بازه زمانی محدود، شاهد افزایش چشمگیر مراجعه مردم برای دریافت مهریه باشیم؛ یعنی افراد از ترس تغییر قانون و اینکه نتوانند مهریه‌شان را دریافت کنند، آن را به اجرا گذاشته‌اند و با افزایش مراجعان مواجه شده‌ایم. با توجه به وجود چنین موضوعاتی، باید فضای اجتماعی جامعه مدیریت شود و قبل از بررسی‌ها، در رسانه‌ها مورد تبیین قرار گیرد و در مورد آن گفت‌وگو شود.» محمدبیگی با بیان اینکه این تغییرات نباید مقابل حقوق زنان در خانواده قرار گیرد، به ماده ۲۷ قانون حمایت از خانواده اشاره می‌کند: «در ماده ۲۷ قانون حمایت از خانواده، ارجاع به دایره داریم که بسیار خوب است و باید بیش از پیش به آن بپردازیم. ما مخالف مهریه‌های نجومی و موافق تسهیل امر تشکیل خانواده و زندگی مشترک هستیم، بنابراین با توجه به وضعیت اقتصادی دو طرف، درخواست من این است که خانواده‌ها مهریه‌های معقول بپردازند و اینکه نتوانند مهریه‌شان را دریافت کنند، آن را به اجرا گذاشته‌اند و با افزایش مراجعان مواجه شده‌ایم. با توجه به وجود چنین موضوعاتی، باید فضای اجتماعی جامعه مدیریت شود و قبل از بررسی‌ها، در رسانه‌ها مورد تبیین قرار گیرد و در مورد آن گفت‌وگو شود.» محمدبیگی با بیان اینکه این تغییرات

نباید مقابل حقوق زنان در خانواده قرار گیرد، به ماده ۲۷ قانون حمایت از خانواده اشاره می‌کند: «در ماده ۲۷ قانون حمایت از خانواده، ارجاع به دایره داریم که بسیار خوب است و باید بیش از پیش به آن بپردازیم. ما مخالف مهریه‌های نجومی و موافق تسهیل امر تشکیل خانواده و زندگی مشترک هستیم، بنابراین با توجه به وضعیت اقتصادی دو طرف، درخواست من این است که خانواده‌ها مهریه‌های معقول بپردازند و اینکه نتوانند مهریه‌شان را دریافت کنند، آن را به اجرا گذاشته‌اند و با افزایش مراجعان مواجه شده‌ایم. با توجه به وجود چنین موضوعاتی، باید فضای اجتماعی جامعه مدیریت شود و قبل از بررسی‌ها، در رسانه‌ها مورد تبیین قرار گیرد و در مورد آن گفت‌وگو شود.» محمدبیگی با بیان اینکه این تغییرات



آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، اولین قانون جامع در این حوزه است که آثار قبل از قاجار و آثار اسلامی دارای ارزش تاریخی را به عنوان «آثار ملی» شناسایی و مشمول حمایت قانونی اعلام کرده است. «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط‌زیست که باید نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود.» این اصل، فعالیت‌هایی را که منجر به آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران به محیط‌زیست شود، ممنوع اعلام کرده و جایگاه قانونی مهمی برای حفظ محیط‌زیست در ساختار حقوقی کشور فراهم آورده است. در راستای اجرای این اصل، ۱۳۵۳ مهم‌ترین قوانین عادی است که سازمان حفاظت محیط‌زیست را به عنوان نهاد اصلی این حوزه معرفی و وظایف گسترده‌ای برای آن تعریف کرده است. «در زمان جنگ و بحران می‌کند.»

مرادیان، حقوق‌دان، نقطه آغاز این رویکرد حمایتی، اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که با بیانی صریح تصویب کرده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط‌زیست که باید نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود.» این اصل، فعالیت‌هایی را که منجر به آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران به محیط‌زیست شود، ممنوع اعلام کرده و جایگاه قانونی مهمی برای حفظ محیط‌زیست در ساختار حقوقی کشور فراهم آورده است. در راستای اجرای این اصل، ۱۳۵۳ مهم‌ترین قوانین عادی است که سازمان حفاظت محیط‌زیست را به عنوان نهاد اصلی این حوزه معرفی و وظایف گسترده‌ای برای آن تعریف کرده است.

او در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید: «در زمینه میراث فرهنگی، قانون راجع به حفظ

«ایران» از وندالیسم و تأثیرروانی و اجتماعی آن گزارش می‌دهد

از ریشه‌کنی لاله‌های واژگون تا خاکبرداری هرمز

کسانی که دچار «افسردگی زیست‌محیطی» یا

احساس غم ناشی از تخریب طبیعت هستند، گاهی به دلیل احساس ناتوانی و یأس، واکنشی منفعلانه نشان می‌دهند. نکته قابل توجهی این است که این رابطه دو سویه است؛ یعنی همان‌طور که مشکلات روانی می‌تواند باعث تخریب محیط شود، آسیب به طبیعت نیز ممکن است به مشکلات روحی و روانی دامن بزند. مردم با دیدن نابودی محیط اطرافشان دچار نگرانی، اضطراب یا افسردگی می‌شوند و ممکن است در واکنش، خود نیز به این تخریب دامن بزنند.»

«افرادی که عمداً به محیط و اموال دیگران یا بناهای عمومی و فرهنگی آسیب می‌زنند، در اصطلاح «وندال» نامیده می‌شوند.» نجفی‌پور با بیان این مطلب اضافه می‌کند، این عمل «وندالیسم» یا خرابکاری عمدی نام دارد و علاوه بر تخریب فیزیکی، ضربه بزرگی به هویت فرهنگی و حافظه جمعی مردم وارد می‌کند. در قوانین هم وندالیسم جرم تلقی شده و شامل آسیب به اموال عمومی، بناهای تاریخی، جنگل‌ها و فضاهای طبیعی می‌شود. چنین رفتارهایی می‌توانند نظم اجتماعی را به هم بزنند و حتی هزینه‌های اقتصادی سنگینی به جامعه تحمیل کنند. در بُعد اجتماعی نیز از بین رفتن میراث فرهنگی موجب می‌شود مردم حس غرور و هویت فرهنگی خود را از دست بدهند. این موضوع می‌تواند بر روابط اجتماعی اثر منفی بگذارد و انسجام اجتماعی را کاهش دهد.

رویکرد قانونگذار ایران در حمایت از محیط‌زیست و آثار باستانی

حمایت از محیط‌زیست و میراث فرهنگی در نظام حقوقی ایران، هم در سطح قوانین داخلی و هم در قالب تعهدات بین‌المللی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. به گفته دکتر بهرام

متوجه شوند خاک در طول میلیون‌ها سال ایجاد می‌شود و در مدت کوتاهی از بین می‌رود. با زور نمی‌شود کار فرهنگی کرد و باید مردم ایران خودشان محافظ اموال طبیعی و تاریخی کشورشان باشند: «کافی است مردم برای کاری تشویق شوند. به عنوان نمونه در موضوع فرهنگ‌سازی جمع‌آوری زباله، حجم رها کردن زباله در محیط‌زیست در کل ایران کاهش پیدا کرده است. این روزها در همه خودروها کیسه‌هایی مخصوص زباله وجود دارد، در حالی که ۲۰ سال پیش این‌گونه نبود، هرچند اقدامات انجام شده هنوز کافی نیست و باید افزایش داشته باشد.»

گراوند همچنین درباره آسیب به اماکن تاریخی مثل حکاکی کردن نام خود روی دیوارهای قدیمی توضیح می‌دهد: «در مواردی میراث فرهنگی در نگهداشت کوتاهی می‌کند، اما در بیشتر موارد از ناآگاهی و اهمیت این مکان‌های توسط تخریب‌گران محیط‌زیست خبردار می‌شوند. البته این آسیب‌ها فقط چند موردی است که حاشیه و خبرهای زیادی درست کرده و بسیاری از تخریب‌ها شاید به این شکل دیده و ثبت نشود، اما مهم این است که اتفاق در حال وقوع تخریب طبیعت و آثار تاریخی است. دکتر اردشیر گراوند، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی با اشاره به اینکه گردشگران از اقبال مختلف وارد جزیره هرمز می‌شوند، به «ایران»

ضربه بزرگ به هویت فرهنگی و حافظه جمعی مردم

دکتر فرشاد نجفی‌پور، روان‌شناس اعتقاد دارد که با توجه به اهمیت میراث فرهنگی و تاریخی، باید روی سلامت روان جامعه کار کرد. او به «ایران» می‌گوید: «باید آموزش‌های فرهنگی و زیست‌محیطی را گسترش داد و حس ارتباط انسان با طبیعت و تاریخ را تقویت کرد. در بسیاری از موارد، مشکلات روانی مانند اضطراب یا افسردگی می‌تواند باعث شود افراد بی‌تفاوت نسبت به محیط‌زیست رفتار کنند.

بازتاب

مهاقوای قلب

خبرنگار